



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
صلاوة  
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# خاطرات اروپا



اردیبهشت ۱۳۹۶

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خاطرات اروپا

نویسنده:

رسول ملکيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مؤلف

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	خاطرات اروپا
۶	مشخصات کتاب
۷	فهرست:
۹	مقدمه
۱۳	سوابق تبلیغی
۱۷	شرایط تبلیغات جهانی
۱۹	معیار زبانشناسی جهانی
۲۵	اقدامات و طرحهای بین المللی
۳۰	بخش اول: کلیسا و کشیش
۴۵	بخش دوم: تاریخ و جغرافیای غرب
۵۳	بخش سوم: دین و مردم و فرهنگ اروپا
۶۸	بخش چهارم: ارتباط حوزه علمیه و روحانیت با غرب
۷۵	بخش پنجم: ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان
۷۷	بخش ششم: نتایج نهائی سفر
۸۱	بخش هفتم: عکس ها و یادها
۱۰۲	درباره مرکز

خاطرات اروپا

مشخصات کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

خاطرات اروپا

ارديبهشت 1396

رسول ملكيان اصفهانی

ص: 1

مقدمه...3

سوابق تبلیغی...4

شرایط تبلیغات جهانی...6

معیارزبانشناسی جهانی...7

اقدامات و طرحهای بین المللی...9

بخش اول: کلیسا و کشیش...11

بخش دوم: تاریخ و جغرافیای غرب...16

بخش سوم: دین و مردم و فرهنگ اروپا...19

بخش چهارم: ارتباط حوزه علمیه و روحانیت با غرب...25

بخش پنجم: ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان...27

بخش ششم: نتایج نهائی سفر...28

بخش هفتم: عکس ها و یادها...30

ص: 2

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (سوره احزاب آیه 39)

[ آری این روش خداست درباره [ آنان که همواره پیامهای خدا را به مردم می رسانند و از [ عظمت و مقام ] او می ترسند و از هیچ کس جز او واهمه ندارند و برای حسابرسی [ کار با ارزش اینان ] خدا بس است .

ص: 3



از تاریخ آبانماه 1395 پی گیری می کردم که به همراه تعداد دیگری از علما حوزه علمیه اصفهان از سرزمین غرب اروپا بازدید و گفتگوی علمی و مذهبی داشته باشیم .

تا این امر در تاریخ شنبه 9 اردیبهشت 1396 مصادف با 29 آوریل 2017 ممکن شد و اینجانب رسول ملکیان اصفهانی به اتفاق حجت الاسلام والمسلمین سید حسین مومنی و حجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی، حجت اسلام والمسلمین عبدالامیر خطاط، حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا زمانی (زبان دان)، حجت الاسلام والمسلمین گرجی، آقای مسعود مهدویان فرراهی کشور آلمان شدیم.

البته گروه 11 نفر بودند که بانصراف سه نفر و عدم صدور ویزا برای یکنفر از دیگر دوستان ؛ در عمل یک گروه هفت نفره تشکیل شد و هرچه از روزهای سفر گذشت اتحاد و دوستی و ارتباط و صمیمیت بین

گروه بیشتر شد بگونه ای بعد از گذشت 16 روز جدائی از همدیگر مشکل بود.

این گروه براساس دعوتنامه گروهی (رجال علمی مذهبی مراکز دینی شهر بین المللی و توریستی و الهی و انسانی اصفهان) از طرف شهرفرایبورگ آلمان صادر شده بود و ما عازم این سفر شدیم.

با توجه به اینکه شهر اصفهان خواهر خوانده شهرفرایبورگ آلمان بود این بهترین راه برای دریافت ویزا بود که در اینجا از همکاریهای شهردار محترم اصفهان دکتر مهدی جمالی نژاد و معاونت محترم فرهنگی شهرداری دکتر علی قاسم زاده و همکارانشان کمال تقدیر و تشکر را می کنیم که واسطه و معین این سفر شدند و اگر پی گیریهای این عزیزان و توجه مسئولین آلمان نبود نه دعوتی صورت می گرفت و نه ویزائی صادر می شد.

ص: 5

در روز یکشنبه تاریخ 26/03/2017 با مدارک کامل به همراه چهار نفر از گروه برای مصاحبه به سفارت آلمان در تهران مراجعه کردیم و روز بعد دیگر دوستان.

جالب اینکه در صدور ویزا برای اینجانب مشکلی اداری پیش آمد. به دلیل خطای اداری وانسانی که در امور اداری طبیعی بنظر می رسد بیمه نامه سفر بعنوان ناقصی پرونده اینجانب و البته بدون اطلاع رسانی از طریق تلفن و یا غیره ؛ بعد از دو هفته گذرنامه بدون ویزا در روز یکشنبه 20 فروردین مصادف با تاریخ 09/04/2017 به من تحویل شد.

اقدامات و صحبت های شفاهی اینجانب در فرودای آن روز هیچگونه تاثیری نداشت بلکه سبب رنجش سوپروایزر و همکاران سفارت آلمان هم شد. لکن با نامه نگاری های مجدد و پی گیریها و بالاتر از همه لطف و اراده الهی و دعای دوستان در چند روز باقی مانده

ص: 6

به سفیر یعنی در تاریخ 4 اردیبهشت 1396 ویزا صادر گردید و به این ترتیب سفر گروهی هفت نفره تشکیل شد.

با این مقدمات هفت ماهه تهیه بلیط و رزوهتل و تشکیل چند جلسه و تقسیم کار و وظایف در سحر روز شنبه 9 اردیبهشت راهی سفر از فرودگاه اصفهان بمقصد استانبول شدیم.

تهیه بلیط و رزوهتل و برنامه ریزی سفر بعهده آژانس یاقوت پرواز به مدیریت آقای اسماعیل حیدری بود که بسیار عالی و دقیق برنامه ریزی کردند و با کمترین هزینه بهترین امکانات سفر فراهم کردند و تا آخرین لحظات سفر از طریق تلگرام و تلفن گروه راهنمایی و مشایعت می کردند.

برنامه سفر ما به این شکل بود شش روز آلمان - یک روز سوئیس - چهار روز ایتالیا - سه روز فرانسه - دو روز هم در ترکیه.

برنامه ما در آلمان بر اساس جدول مشخص بود دیدارها و جلسات از قبل پیش بینی شده بود و همینطور در کشورهای دیگر بازدید و آشنا

ص: 7

شدن با تاریخ و تمدن و آثار باستانی و فرهنگ انسانی و ایمانی و مراکز تجاری و تفریحی آنجا بود.

## سوابق تبلیغی

لازم بتوضیح است که خود اینجانب چون دارای پرونده اعزام تبلیغ به خارج کشور هستم و تجربیاتی داشتم و همچنین حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زمانی یک مرتبه به فرانسه مسافرت کرده بودند و لکن بقیه همسفران برای اولین بار به غرب سفر می کردند.

من قبلاً چندین بار برای اعزام علما و روحانیت حوزه علمیه اصفهان به خارج فعالیت کرده بودم که توفیق عملی نداشت ولی این بار به لطف و امداد الهی محقق شد.

اولین بار حدود 15 سال قبل بود که با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه شعبه اصفهان و حجت الاسلام والمسلمین شیخ احمدزاده هوش تعداد 12 نفر را برای تشکیل پرونده به سازمان فرهنگ

ص: 8

و ارتباطات اسلامی معرفی کردیم که در اثر عدم پی گیری دوستان خیلی نتیجه بخش نبود.

در دومین اقدام شش سال قبل دو مرتبه با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان و حجت الاسلام والمسلمین حبیب رضا ارزانی لیستی پنج نفره از اساتید حوزه علمیه برای اعزام تهیه شد که بخاطر بوجود آمدن مشکلاتی موفقیت در بر نداشت.

در سومین اقدام جلسه ای با حجت الاسلام والمسلمین زمانی معاونت بین الملل حوزه علمیه کشور در قم برگزار شد و تمام مدارک و اسناد معاونت بین الملل به حوزه علمیه اصفهان برای تشکیل معاونت بین الملل ارائه شد که اقدامی صورت نگرفت.

ولی اراده الهی در این تاریخ محقق شد و به این صورت این قیام الهی تجلی یافت که امید است استمرار پیدا کند.

تذکر مهمی که باید بدهم این است که با توجه به فضای بوجود آمده بین علما و اساتید حوزه علمیه اصفهان با مراکز دینی و علمی

کشور آلمان باید مدیریت حوزه علمیه اصفهان با بستن تفاهم نامه و قرارداد و استمرار این جریان دینی و علمی آن را استمرار بخشد زیرا مسیر خوبی الان باز و ریل گذاری شده است.

باید اعتراف کنم که مسائل این سفر در طول این هفت ماه بدون هیچگونه تبلیغی کارها انجام شد تا به لطف الهی مثمر تر بشود و بعد از آن گزارش و تبلیغ گردد.

قبل از سفر تعدادی از دوستان خدمت مدیر محترم حوزه های علمیه استان اصفهان حضرت آیت الله سید یوسف طباطبائی نژاد رسیدند که سفارشات لازم و دستورات لازم را صادر نمودند و رهنمودهای ایشان زاد و توشه سفر شد.

و اما از بعد از دوران دفاع مقدس با تجربه ها و خاطرات تلخ و شیرین آن همیشه دغدغه تبلیغ و پیام رسانی آن را در ذهن داشتم. ولی یک فرق اساسی با دیگران داشتم و آن این بود که نمی خواستم خاطرات جبهه را ثبت و ضبط کنم و آنها را نشر بدهم هر چند این کار وظیفه

ص: 10

مقدس‌سی بود ولی روح من را اشباع نمی کرد بلکه دوست داشتم در راهی قدم بگذارم که شهدا برای آن جان دادند و آن پیام رسانی محتوای خوددین و فرهنگ غنی اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین بود.

گفتم اسلام اهل بیت یعنی اسلام حقیقی و ناب محمدی صلوات الله علیه.

ونکته دیگر این بود که می دیدم این نهضت و قیام اسلامی هر چند در داخل کشور دچار مشکلاتی است و با دو فرهنگ غربی و ملی گرائی و وابستگیان به آن چالش جدی دارد ولی در عین حال انقلاب بزرگ اسلامی ایران مرزهای کشور را در نور دیده است و به فراز دیگر کشورها رسیده است.

دو شاخه مهم و بزرگ آن یکی کشورهای اسلامی است و دیگر کشورهای غرب مسیحی.

ص: 11



تاثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی منطقه و خاورمیانه و جهان و مسلمانان بسیار زیاد بوده تا جائیکه انقلابات و نهضت های اسلامی زیادی را شکل داده که ادامه دارد.

لکن تاثیر انقلاب اسلامی ایران محدود به کشورهای اسلامی و مسلمانان نمی شود بلکه تاثیر در سطح جهان بخصوص جهان غرب و مسیحیت داشته است. و این شاخه اخیر همان رسالتی بود که من با تمام نواقص و کمبودهای معنوی و مادی که داشتم آن را دنبال می کردم.

### **شرایط تبلیغات جهانی**

برای این رسالت یعنی پیام رسانی محتوای فرهنگ اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین به دنیای غرب مسیحیت چند تا کار انجام دادم .

ص: 12

اول اینکه ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی و فداکاریها و ایثارگریهای آن را عمیقاً بشناسم.

و چون خودم از نظر عملی توفیق درک و حضور در نهضت و قیام انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس و دوران بازسازی پس از آن را دارم مباحث نظری انقلاب اسلامی درکش برایم آسان بود و بخصوص چون توفیق تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم و اصفهان را دارم درک محتوا و اهداف انقلاب اسلامی برایم ملموس و حسی و علمی بود.

دوم اینکه باید غرب و مسیحیت را خوب بشناسم.

سوم اینکه با فرهنگ و ادبیات و زبان فرهنگی و رفتار عملی غرب آشنا می شدم.

چهارم با تاریخ مسیحیت و کلیسا و کشیش آشنا می شدم و بخصوص دوران قدرت و اوج و حاکمیت سیاسی و مذهبی کلیسا و بعد دوران رنسانس و بلاخره وضعیت فعلی آنان.

ص: 13

پنجم شرایطی که یک مبلغ جهانی باید داشته باشد مثل زبان؛ اخلاق و تقوی؛ نظم؛ صداقت؛ همت؛ استقامت؛ گذشت و ایثار.

## معیار زبانشناسی جهانی

در خاطر دارم چند جلسه ای با حضرت آیت الله مرتضی جوادى آملی برای نشر آثار علامه عبدالله جوادى آملی استاد کم نظیرم در سطح جهان داشتیم آنجا به تفصیل گفتم برای نشر آثار معظم له باید سه مرحله کار صورت گیرد:

اول آنها به زبان و ادبیات ساده و عمومی و در عین حال عمیق فارسی تبدیل گردد. (وضعیت فعلی آن داخلی و تخصصی است و پراز اصطلاح و لغات مشکل).

ص: 14

دوم بعد از آنکه متن عمومی تهیه گردید تبدیل به زبان و فرهنگ و ادبیات جهانی گردد.

سوم به زبانهای دیگر دنیا مثل انگلیسی و آلمانی و فرانسه و ..... تبدیل گردد.

و یا خاطرم است زمانی که گروهی میخواستند تفسیر نمونه را به زبان انگلیسی در اصفهان ترجمه کنند.

تعدادشش نفر از اساتید دور هم جمع شدند و وقتی دیدند چقدر تبدیل کردن متن تفسیر نمونه به زبان انگلیسی کار مشکلی است از آن انصراف دادند. فقط یک نفر کار را ادامه داد که دکتر صدر بود. با دکتر صدر درباره تبدیل متن تفسیر نمونه که به زبان فارسی و عربی (آیات و روایات) است بیش از صد ساعت جلسه داشتیم که خلاصه آن چنین است:

اگر یک سخنران در سطح عموم جامعه ما بگوید مردم مسلمان من امروز می خواهم درباره نماز مسافر سخن بگویم تمام افرادی که

ص: 15

مخاطب این سخنران هستند فایلی در ذهن آنها باز می شود که حدود پنجاه صفحه می باشد به این شکل مخاطب می فهمد نماز یعنی یکی از دستورات الهی و 17 رکعت است . حمد و سوره و رکوع و سجده و تشهد و قیام و تکبیره الاحرام دارد و معنی و مفهوم هر کدام از اینها را در حد معلومات خود درک می کند یعنی با فرهنگ نماز و تعریف و تبیین آن آشنائی دارد حال می خواهد براندوخته و اطلاعات خود اضافه کند درباره نماز مسافر هم مطالبی یاد بگیرد.

اگر شخص مخاطب خودش دانش آموخته علوم اسلامی باشد بیش از صد صفحه و یا دویست صفحه اطلاعات دارد و همینطور تایک مجتهد و مرجع تقلید.

حال اگر شما خواستید کلمه صلوه در قرآن را در تفسیر برای مخاطب انگلیسی زبان ترجمه کنید چه می کنید؟ مخاطب شما چقدر درک مفهومی و معنایی از صلوه دارد ؟ و همینطور است هزاران لغت دیگر در قرآن و تفسیر آن که هزاران صفحه در خودش تفسیر دارد.

مثال لغت و کلمه صلوه مثال ساده بود اگر خواستیم لغت جن؛ شیطان؛ ملائکه؛ بهشت؛ جهنم؛ قیامت؛ صراط؛ توحید و... امثال اینها را برای مخاطب جهانی و انگلیسی زبان ترجمه و تفسیر کنیم چقدر کار مشکلی است.

این بود که درباره تبدیل متن تفسیر نمونه به زبان انگلیسی صدها ساعت با دکتر صدر صحبت و بحث می کردیم که برای هر دوی خود ما جالب بود.

اشکال مهم دیگری که در میان است اختلاف دیدگاههاست در موضوعات گوناگون دینی و اسلامی و قرآنی مثلا درباره خلقت آدم و حوا و فرزندان آن شش نظریه است و یا درباره عالم ذر هفت نظریه.

کسیکه میخواهد متن فارسی را ترجمه و تفسیر کند برای دیگران آیا همه را ترجمه کند یا گزینش کند.

واشکال دیگر اینکه خود ترجمه کننده چقدر این مفاهیم را درست درک میکند که بخواهد آنها را به زبان دیگری ترجمه کند. یعنی مترجم خودش باید تاحدی متخصص علوم قرآنی و تفسیر باشد.

واشکال دیگر اینکه مخاطب انگلیسی زبان مدارس سطح مختلف برداشتهائی از مفاهیم فوق مثل توحید دارند ما چگونه تفسیر کنیم که برای آنها گویا باشد زیرا بسیاری از موارد اشتراک لفظی پیش می آید یا اشتراک معنوی و غیره.

دست آخر اینکه ترجمه متن تفسیر نمونه چون به زبان فارسی است و دارای ادبیات پر از اصطلاحات و کنایه ها و کلمات فصاحت و بلاغت که تبدیل آن به زبان انگلیسی کار سنگین و طاقت فرسائی است. اینها گوشه ای از زوایای تبدیل تفسیر قرآن به زبانهای دیگر است.

اینجاست که شما متوجه سختی کار تبلیغ و علمی در سطح جهان بخصوص غرب خواهید شد.

و خاطره سوم در این باره بر می گردد به زمانیکه حجت الاسلام والمسلمین لقائی با بیش از ده سال تبلیغ در استرالیا به اصفهان برگشت و در اصفهان پایه علوم اسلامی حوزوی به صورت مجازی راتاسیس کرد و برای تشکیل کلاسها نیاز به کتاب درسی علوم حوزوی داشت که بانگه جهانی تدوین شده باشد و از استانداردهای لازم برخوردار باشد. در این حوزه علمیه مجازی بیش از 100 نفره طلبه از سراسر جهان ثبت نام کرده بودند با فرهنگ های متفاوت و همه آشنا با زبان انگلیسی.

خوب افرادی که با کتب درسی علوم حوزوی آشنا هستند آیا می توان متن کتابهای درسی رایج حوزه علمیه را در فضای مجازی با طالاب جهانی در میان گذاشت و آنها را تدریس کرد؟

این بود که با صحبتها و جلساتی که با ایشان داشتیم ایشان نهایتا تصمیم گرفت که خودشان از کتابها گزینشی داشته باشند و به تدریس و آموزش اینها اقدام نمایند. البته جامعه المصطفی در این



زمینه قدمهای مناسبی برداشته و هنوز تارسیدن به ادبیات و فرهنگ جهانی فاصله زیادی داریم.

شما نگاه کنید به کتابهای منحرف و التقاطی اشو که با بهترین سبک و ادبیات جهانی تدوین و جهان سازی و سپس به زبانهای مختلف دنیا و فارسی ترجمه شده است. و یاداستانهای هری پارترو...

### **اقدامات و طرحهای بین المللی**

باز اگر مقدمه طولانی نشود دو خاطره دیگر در اینجا نقل میکنم و امید دارم در مسائل بین المللی اینقدر کوتاهی نکنیم بلکه انشاء الله از نسل انقلابیون جوان حوزوی برای رضای الهی در این راه قیام کنند:

خاطره مربوط میشود به زمانی که کشور بزرگ شوروی سابق از هم پاشید و تبدیل شد به چندین کشور کوچک و بزرگ.

ص: 20

طرحی که آن زمان به بعضی از مسئولین دادم این بود که الان بهترین فرصت است برای این که به کشورهای شمالی ایران هرکدام 2000 الی 5000 هزار نفر جوان معمولی با اطلاعات اجمالی اعزام کنیم و تا 2 الی 5 سال آنها را حمایت مالی و معنوی و اطلاعاتی کنیم . این تعداد جمعیت بعد در اثر مرور زمان یک جمعیت اسلامی و شیعی و انقلابی را در آن کشور شکل می دهند. طرح این بود که آنها در همان نقطه ازدواج کنند و فرزندآوری کنند و کسب و کار راه بیندازند و برای همیشه آنجا اقامت کنند. درست شبیه جنوب بیروت در لبنان. آیا این مقدار هزینه برای صدور انقلاب زیاد بود؟ آیا کار آرائی آن از صدها رایزن فرهنگی بیشتر نبود؟ حتی منتقدین طرح می گفتند ممکن است خیلی از این جوانها به بیراهه بروند. فرضا اگر چهل درصد اینطور بودند باز از کار آرائی این طرح چیزی کم نمی کرد. و این انحراف بسته گی داشت به اینکه ما چه جوانانی را برای این طرح انتخاب می کردیم . بگذریم که در این راستا فرصت سوزی شد که حالا حالاها قابل جبران نیست.

وخاطره دیگرم برمی گرددبه زمان انتخاب دوره اول رئیس جمهوری دولت نهم دکتر احمدی نژاد. پیش خود فکر کردیم فرصت مناسبی است که یک گام بلند برای پرونده انرژی هسته ای برداریم.

دکترینی تهیه کردیم درباره دفاع هسته ای و آن را خدمت دکتر علی رضا ذاکر اصفهانی که آن زمان مسئول مرکز تحقیقات استراتژیک شده بود دادیم. در این طرح تعدادشش کشور اروپائی را هدف قرار داده بودیم و چند نفر از افراد را هم انتخاب کرده بودیم که در این کشورها روزنامه نگار و نویسنده گانی را انتخاب کنند که به دفاع بحق مادر پرونده هسته ای قلم بزنند و مقالات اینها در روزنامه های

معروف غرب چاپ شود مثل لو موند فرانسه ؛ برلینر تسایتونگ آلمان و... که متأسفانه این طرح هم در اثر عدم شناخت آن توسط مسئولین به سرانجام نرسید و شما بعدها دیدید که چه اتفاقاتی در این باره افتاد. کلا دیپلماسی ما ضعیف است ما باید 1000 میز مثل پرونده

هسته ای داشته باشیم برای تعامل با جهان که در این زمینه بسیار کم کار و ضعیف هستیم . و افراد آشنا می دانند بعضی از سفارتخانه ما چه وضعی دارند. شما حتما توجه دارید که گره های کور اقتصاد ما هم در زمینه صادرات به همین مسئله دیپلماسی خارجی ما بر می گردد.

نکته مهمی که اینجا می خواهم عرض کنم این است که اگر طلاب ما بداشتن اطلاعات کامل از اسلام و اساسی شناسی عمومی زبان آموختند منتظر مراکز اعزام نباشند بلکه بداشتن جوشش و کوشش خود در این راه اقدام کنند و مطمئن باشند موفق خواهند بود. طلبه زبان دان اگر مهارت های تبلیغی داشته باشد و دارای هوش تبلیغ بین المللی و سعی و تلاش در راستای آن موفق خواهد بود والا اگر منتظر باشد مراکز آن را اعزام کنند و بعد هم از آن حمایت کنند هر چند مطلوب و ایده آل است ولی معلوم نیست چنین مسیری چقدر دست آور داشته باشد. نتیجه اینکه در هر صورت طلبه مبلغ بین الملل به هر شکل که اعزام شده باشد اگر در محیط تبلیغ خودش را پیدان کند و سعی و تلاش و جدیت از خودش نشان ندهد موفق

ص: 23

نخواهد شد. که این داستان مفصلی دارد تو حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

اما مجموعه خاطرات خود را باید در هفت بخش تقسیم بندی کنم و بصورت خلاصه بیاورم:

اول: کلیسا و کشیش.

دوم: تاریخ و جغرافیای غرب.

سوم: دین و مردم و فرهنگ اروپا.

چهارم: ارتباط حوزه علمیه و روحانیت با غرب.

بخش پنجم: ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان

بخش ششم: نتایج نهائی سفر

بخش هفتم: عکس ها و یادها

ص: 24

## بخش اول: کلیسا و کشیش

تاریخ کلیسا و کشیش در غرب واقعا خواندنی و مفصل و پرازفراز و فرود است. لکن ارزیابی من در این سفر این بود که اینها در گذشته چندین قرن دوران اوج و حاکمیت سیاسی و قدرت بی چون و چرای کلیسا و کشیش بر مردم و جامعه و دارای حکومت مقتدر بوده اند و تمام این تجربیات را هم اکنون در کتاب و تاریخ و دلشان دارند و مسیحیت و کشیش کنونی آنها را فراموش نکرده اند بلکه به نسل جدید کشیشها نیز آموزش می دهند.

و هر چند حدود چهار قرن است که نظام غربی آنها را به عقب رانده اند و شرایطی درست کرده اند که سیاست و حکومت بصورت مستقیم دست کلیسا و کشیش نباشد

ولکن باید اعتراف کرد که کلیسا و کشیش هنوز دارای قدرت و نفوذ در میان مردم و هم حاکمیت سیاسی است. از زمانهای دور اموال مادی زیادی هنوز در دست کلیسا و کشیش ها هست که بصورت

ص: 25

منظم بهره برداری و استفاده و اداره می کنند و حال آنکه سهم معینی از درآمد مالیات دولتی ( در آلمان 8 درصد) رانیز دریافت می کنند و برای حفظ و کنترل دقیق اموالشان با حکومت و دولتها نیز ارتباط نزدیکی و مقتدرانه دارند که بسیار مهم و قابل توجه است.

و همچنین از مردم به عناوین مختلف پول دریافت می کنند مثل اعانه برای محرومین و یاهدیه و غیره که هم سبب ارتباط و پیوند قوی کلیسا و کشیش با مردم می شود و هم سبب اقتدار و نفوذ در میان مردم.

اکثر کشیشها با توجه به دستورات دینی مقبول خود زندگی تجرد و مجرد گونه ای دارند و در عین زیست ساده و زاهدانه از لطافت و زیبایی اخلاق و رفتار با دیگران و مردم و حاکمیتشان برخوردار هستند و این بر محبوبیت آنها در میان مردم و حکومت می افزاید .

طلبه و روحانی اسلام و شیعه چون خانواده تشکیل می دهد طبیعتا دغدغه امور مالی و هزینه های زندگی و تعلیم و تربیت فرزندان خود و مسائل تحصیل اشتغال از دواج سر بازی و دهها مسئله دیگر زندگی

خود را دارد که اگر متوجه رسالت الهی خویش نباشد در سیل مشکلات مسائل خانواده گی خود قرار می گیرد و رسالت خود را فراموش می کند بصورتیکه شبانه روز سعی و تلاشش برای رفع حوائج مادی خود و خانواده صرف میشود؛ بخصوص با زندگی صنعتی و شهرنشینی امروز حاجات و نیازها بشدت افزایش پیدا کرده است.

و دیگر اینکه چون در زمان معاصر حاکمیت سیاسی را کشیش و کلیسا ندارند توانسته اند از آسیب ها و آفات آن نیز خود را حفظ کنند. و حال آنکه ما محدود چهاردهه است که حاکمیت سیاسی و حکومتی پیدا کرده ایم که رفتار و کردار و معیشت و زندگی حوزه و روحانیت ما زیر نظر مردم و رسانه ها شدیداً قرار دارد و باید بسیار هوشمندانه و زاهدانه رفتار کنیم و الا ضربات شدیدی به دین و ایمان مردم توسط ما وارد می شود.

ص: 27



البته ادیان منحرف غیرالهی و کفار غربی طبیعتاً بر علیه کلیسا و کشیش تبلیغات مخربی دارند و گروه‌های بی دین و لایع یک بر ضد کلیسا و کشیش ساکت نیستند و مبارزه می کنند.

کلیسا و کشیش ها از زمانهای دور تشکیلات منظم و پیچیده ای دارند و هم بامخالفین خودشان مبارزات حساب شده ای دارند و هم سعی وافر دارند تا نسل جدید را هم از دست ندهند و بر داشتهای خود بیفزایند.

وقتی بصورت لطیف از جنگها و خونریزهای گذشته سوال شد؟ جواب دادند همیشه در میان ادیان الهی کسانی بوده اند که افراط یا تفریط می کرده اند.

و یا اذعان و اعتراف داشتند که یک فاصله محسوس و قابل لمسی بین کلیسا و کشیش با نسل جوان افتاده است و بخصوص رسانه ها مثل فضای مجازی و ماهواره و موبایل و مجلات و روزنامه و رادیو و تلویزیون که در این راستا نقش پررنگی دارند. کانه یک

ص: 28

رئسانس جدید دوباره بعد از چهار قرن بر سر کلیسا و کشیش وارد شده است. ولی کلیسا در صدد رفع این چالش و بحران است.

وقتی خودشان و ما اشاره به ارتکاب منافی عفت در میان کشیش ها اشاره و سوال کردیم؟ پاسخ صریح و روشنی دادند که بله بعضی از کشیش ها بدستورات الهی پایبند نیستند و دچار انحراف می شوند ولی تعداد زیادی هم هستند که بر اساس تعلیمات کلیسا مراعات تقوا و پاکدامنی را می کنند.

و در واقع انسان در هر دین و مذهب و لباس و نژاد و فرهنگ و جغرافیا است که همیشه در معرض خطا و گناه و آسیب است.

از ما سوال شد آیا شما هم بانسل جوان و رسانه ها مشکل دارید؟ که ما هم صادقانه اعتراف کردیم . نسل جوان و رسانه ها هم تحدید است و هم فرصت و این ادیان الهی هستند که در زمان معاصر باید باهم همکاری لازم و منطقی را داشته باشند والا در سطح جهان نسل جدید گرایش به لاابالی و هرزه گی و دین گریزی روی می آورد

ص: 29

واین یک چالش جدی برای همه ادیان آسمانی والهی ووحیانی است که به سه اصل مهم مبدا و معاد و نبوت اعتقاد دارند.

مرکز دانشگاه تربیت کشیش در آلمان یک دوره پنج ساله برنامه ریزی شده بود. کشیش جوان باید یک رشته علمی تامقطع دکتری در دانشگاه انتخاب می کرد و در کنار آن تحت تعلیم و تربیت مرکز پرورش یا همان دانشگاه کشیشی قرار می گرفت.

از نکات مهم این بود که طلبه کشیش در سال اول بیشتر باید خود را جستجو می کرد و به این می اندیشید که برای چه هدفی آمده کشیش شده است؟ آیا برای رضای خدا آمده؟ آیا میخواهد به خدا کمک کند؟ آیا می تواند راهب و زاهد شود و چشم از لذت ها مادی دنیا بپوشد؟ یعنی سال اول بیشتر خویشتن شناسی و خودیابی بود تادرس و بحث و بتعبیر ماسال اول بیشتر ارتباط با خود بود و تنظیم آن با خدا و کلیسا و دین؛ و علم آموزی بمعنای مصطلح آن نبود بلکه این خویشتن یابی بود و با اساتید مجرب و با تجربه سعی

ص: 30

می کردند خود را پیدا کنند . چیزیکه ضرورت آن را ماهم در دنیای مدرن و صنعتی جدید برای طلابمان حس می کنیم.

ودوم مدیریت معنوی و اخلاقی و منظم و علمی رءیس دانشگاه تربیت کشیش در آنجا بود که خود را وقف این کار کرده بود. و چون راهب و مجرد بود وقت کافی در این زمینه بسیار داشت.

که باز واقعیت این است که متاهل و دارای خانواده بودن هر چند برای انسان رشد و کمال است اما وقت زیادی هم از انسان می گیرد.

از نکات قابل توجه دیگر این بود که امتحان بمعنای حفظ و نمره در کل دوره تربیت کشیش جایگاهی نداشت و بیشتر شفاهی بود و نتیجه عملی برای آنها مهم بود.

اگر کسی پایان دوران تعلیم و تربیت کشیشی نمی خواست کشیش باشد اجباری در کار نبود بلکه مدیر آنجا می گفت می تواند برود زندگی عادی و معمولی را برای خود انتخاب کند و اول این دوران برای خودش خیلی مفید بوده و تا پایان عمر یک مسیحی متدین باقی

خواهد ماند و ثابته می تواند استاد دروس کشیشی باشد ولی کشیش نباشد. و از این طریق به دین و کلیسا خدمت کند.

از نکات تبلیغی و آموزشی مهم کلیسا این بود که دانشجوی کشیش در میان دوران تعلیم و تربیتش یک کلیسا در کشور خارج را بایده انتخاب کند و مدت شش ماه را در آنجا بماند و تبلیغ دین و خودسازی بپردازد.

و همچنین نکته جالب توجه این بود که در همان سالهای اولیه کشیشی بعنوان مبلغ به کلیساها اعزام می شدند تا در کنار کشیش با تجربه کشیش بودن و وظایف آن را تجربه و حس کند.

حجره های کشیش بصورت تک نفره بود و خلوت و سکوت و آرامش و روزه سکوت و نمازهای روزانه و دعا در بیشترین اعمال جزء برنامه های جدی تربیت کشیش بود.

باینکه تعداد زیادی از زنان حدود 15 نفر در مرکز تربیت کشیش مشغول کار بودند و شغل های آشپزی و نظافت و نگهداری

رابرعهده داشتند و از پوشش نسبتاً مناسبی هم برخوردار بودند لکن کشیشها و مدیران آنجا بر خورد بسیار راحت و آرامی را با آنها داشتند بگونه ای که هرکسی سعی در کار خود داشت و مزاحم دیگری نبود. آدم احساس می کرد جز خودش کسی در آنجا وجود ندارد.

قابل توجه اینکه روزاولی که ما وارد مرکز تربیت کشیش شدیم

رئیس مرکز ضمن خوش آمدگویی و توضیح مختصری درباره موقعیت مکانی مرکز با احترام و آرامش خاصی به هرکدام از ماحجره ای تک نفره ای داد که در واقع یک سوءیت کامل بود و این سبب شد ما از نزدیک شاهد معاشرت و رفتار آنها باشیم.

هرسوئیت یک کلید داشت که این کلید علاوه بر اینکه درب سوئیت را بازمی کرد درب اصلی و فرعی ورودی اصلی مرکز تربیت کشیش را نیز بازمی کرد. اینکه کلیدها به این شکل طراحی و ساخته شده بود و اینها در این حد به ما اعتماد کردند و روزاول چنین کلیدهایی به

مادادند واقعا مهم و نشانه انسانیتشان بود و در محیط تربیت کشیش اینها سعی کرده بودند اصل راباعتما دسازی و امین بودن بگذارند.

به همین شکل در جامعه تا حدود زیادی اعتماد سازی شده بود مثلاً شخص بلیط یک ماهه قطار شهری تهیه می کرد و بتعداد دلخواه بدون محدودیت سوار میشد.

نظافت و پاکی در همه جا بسیار مشهود بود. خادمین کشیش ها حجات و اطاقها را روزانه تمییز و منظم می کردند و از ملیتهای مختلف نیز دانشجوی کشیش در آن مرکز مشاهده میشد. سیاه و سفید و نژادهای مختلف درس دینداری را می آموختند.

در مرکز تربیت کشیش کلیسای مخصوص خود داشتند که روزانه چند نوبت بصورت دسته جمعی در آنجا نماز و دعا می خواندند.

از سال دوم با کتاب مقدس عهد قدیم و جدید آشنا می شدند و روزانه آن را می خواندند یعنی کشیش ها به کتاب مقدسشان انجیل بسیار اهمیت می دادند و مرتب می خواندند.

ص: 34

از نماد شمع بعنوان نورگرفتن در مراسماتشان بسیار استفاده می کردند و آن را به انواع زیبای درست کرده بودند. و در فروشگاهها شمع بوفور یافت میشد.

از تصاویر و مجسمه در کلیساها و مراکزشان بسیار استفاده کرده بودند تا جائیکه ماحس می کردیم کلیساها پیشگاه نقاشی و مجسمه است.

کلیسای بزرگ اصلی و مرکزی و کلیساهای محلی و شهری و روستای داشتند.

بسته به موقعیت آنها از تصاویر و نقوش و مجسمه در آنها بکار برده بودند.

سبک و معماری های مشخصی در ادوار تاریخ در کلیساهای اروپا به کار رفته است.

بعضی از کلیساها بخاطر قدمت بیش از هزار سال تبدیل به موزه و آثار باستانی شده بود ولی هنوز در عبادات و دعاها و مراسم و مناسبتها از آن استفاده می کردند.

ص: 35



در کل کلیساها از نماد و آثار هنری بسیار استفاده کرده اند و عبادات و دعاهاى آنها با انواع نمايش و آداب همراه است. بسيارى از مفاهيم دينى را تبديل به نماد و نمايش کرده اند که به قطع و يقين در ابتداء به اين شکل نبوده است. اينکه انسان مفاهيم دينى را به شکلى حتى بصورت اشکال و نمايش و آداب و رسوم دينى تبديل و درک کند خوب و شايسته است و لکن وقتى به متن دين تبديل و الزام آور شود تحريف است. نقاشى عصر عاشورا توسط استاد فرشچيان نمونه بارز آن در فرهنگ شيعه و اسلام است که هرچند هنرى و حامل پيام عاشورا است لکن تبديل به متن دين نشده است و همه مى دانند يک اثر هنر دينى است.

وجود کلیساها در نقاط مختلف شهر و روستا و جاده پراکنده بود و همه جا کلیسا وجود داشت.

بنابر آمار خودشان بيش از ده هزار کلیساى کاتوليك فقط در کشور آلمان وجود داشت و بيشتر از اين تعداد کشيشان بود.

مراسمات زیادی هنوز بصورت سنتی در کلیساها انجام می گرفت مثل عروسی و مرگ و این سبب پیوند کلیسا با مردم میشد.

از تعلیمات کشیشی آشنا شدن آنها با تاریخ مسیح و مریم و مسیحیت و کلیسا و کشیش بود؛ که از نظرهویت و ماهیت بخشی تاثیر شگرف بر کشیشان نوآموز داشت و دارد.

مادر طول یک هفته به اندازه عمر مان از کلیسا و کشیش عیادت کردیم و از نزدیک عبادات و نماز و دعای آنها را دیدیم.

جالب اینکه روزیکشنبه بتعبیر مان نماز جمعه داشتند و به تعبیر خودشان نماز جامع که حدود یکساعت و نیم طول کشید که علاوه بر قرائت کتاب مقدس و دعا در فواصل مختلف چند نفر و همچنین گروه کر دعای را بصورت سرود خواندند.

مراسم با یک چیش خاصی بود و کلیسای بزرگ شهر فرایبورگ کاملاً پراز جمعیت بود.

ص: 37

مادر واقع آشنا نبودیم کجا باید بایستیم و کجانبشینیم و اینها را باتوجه به راهنما انجام می دادیم.

واقعا مهم است که مردم متدین ساعاتی از روز تعطیلشان را به عبادت با خدا می پردازند.

دعا و نیایش و توجه بخدا و کنترل اعمال و رفتار در میانشان مشهود بود. اعمال عبادی و دعا را بایک جدیت خاصی انجام می دادند و در تمام لحظات آن ساکت و باتوجه بودند مثل این بود که جز برای دعا و عبادت برای کار دیگری به کلیسا نیامده اند.

به اندازه کافی برای همه کتاب مقدس وجود داشت و تقریبا همه هم از آن استفاده می کردند. بیشتر افراد آدمهای میانسال و مسن بودند و لکن جوانانی هم در کلیسا وجود داشتند. مشهود بود که این اعمال راسالهاست انجام می دهند و به آن انس دارند.

ص: 38

استفاده از موسیقی و سبک خاصی از آن تقریباً در تمام کلیساهای بزرگ و کوچک مرسوم بود و خودشان تاریخچه و فلسفه خاصی هم برای آن قائل بودند.

هرچند این اعمال و آداب و استفاده فراوان از مجسمه و تصویر و نقاشی برای ماتعجب آور و مورد پرسش و بحث بود منتهی توجه داشتیم اینها در بعضی از مقاطع تاریخ برای حفظ اصل دین و آئین مسیحیت اینها رابه کلیسا و دینشان وارد کرده اند که در اثر مرور زمان بصورت سنت و قانون و الزام تبدیل شده است.

چون همسفران ما همه از اساتید و علمای برجسته اصفهان بودند و هر کدام در رشته ای تخصص داشتند و مابعد عنوان رجال علمی و مذهبی به کشور آلمان سفر کرده بودیم حوزه کاری و جلسات و برنامه ها و دیدارها همه در حوزه دین و مسیحیت و کلیسا و کشیش و اسلام و حوزه علمیه و روحانیت و ادیان الهی و شناخت طرفین بود.

## بخش دوم: تاریخ و جغرافیای غرب

بعضی غرب شناسان غرب را بیشتر به جغرافیا و خاک و کشور و سرزمین تعریف کرده اند. و گفته و نوشته اند غرب یعنی کشورهای اروپا مثل آلمان؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ انگلیس؛ هلند؛ سوئد؛ آمریکا؛ و کانادا است. و بعضی غرب را به یک سبک از زندگی و بینش و گرایش و روش و علم و تکنولوژی تعریف کرده اند که هر دو در جای خود درست است.

منظور من از غرب یک تعریف معرفت شناسانه و انسان شناسی است که بیشتر به تعریف دوم از غرب نظر دارد.

یک پدیده ای در دنیا بوجود آمده و آن این است که انسان غربی متولد شده چیزی که هنوز خیلی از دانشمندان اسلامی و شرقی فهم درستی از آن ندارند.

آنچه تاریخ حدود ده هزارساله بشر از زمان هبوط آدم که ما با آن روبرو بودیم انسان شرقی است و تمام دینها و ادیان آسمانی و الهی هم براساس اسناد موجود در همین محدوده خاورمیانه و شرق بوده است. آنچه از معرفت النفس و انسان و خدا و قانون و سرنوشت و جبر و اختیار و قضا و قدر بحث می شده است همه در چارچوب انسان شرقی بوده است؛ هر چند سخن از فطرت و سرشت و عوالم خلقت و انسان بحث شده است و مربوط به تمام انسانها بوده است منتهی آنچه در بیرون دیده می شده و مصداق بوده انسان شرقی بوده است. فهم ما از انسان در مصداق و وجود خارجی انسان شرقی بوده است.

لکن بعد از حدود ده هزار سال از تاریخ بشریت روی زمین حدود یک قرن است که انسان غربی به اراده الهی متولد شده است که مبدأ آن از قرن 16 دوران رنسانس شروع میشود و بعد از جنگ جهانی اول و دوم انسان غربی به بلوغ می رسد و زمان ماکه به یک انسان کامل تبدیل شده است.

بعضی در کتابهای غرب شناسی تعبیر کرده اند که غرب محل ظهور و تجلی نفس اماره بصورت کامل است که بنظر می رسد تعبیرگویا برای کل بشر است .  
زیرا در تاریخ غرب و شرق این ظهور را به کرات دیده ایم و هنوز از بشر قربانی می گیرد.

تاریخ قرون وسطای غرب و داستان تفتیش عقاید و جنگهای صلیبی و فرقه ای و جغرافی و مذهبی و جنایت‌هایی که در غرب بر سر بشر آمده است و یا استعمار دیگر سرزمینها در طول چند قرن معاصر را منکر نیستیم منتهی تاریخ شرق هم در این زمینه پرونده قابل توجه دارد. مطالعه تاریخ ابعاد ضد بشری در غرب و شرق را باید بدون تعصب و معرفت شناسانه بررسی گردد یعنی هم در بعد تاریخی و هم در بعد کلامی. حتی این پیشنهاد ما در تاریخ اسلام و اسلام شناسی تاریخی و کلامی نیز است.

آنهایی که شیفته غربند و یا مامور و مزدور و یا متنفرد و ضد غرب دسترسی و تحلیل دقیقی نمی توانند از غرب داشته باشند.

ص: 42

باید توجه کرد که اروپا تا حدود 70 سال پیش در دو جنگ جهانی (تا 1954 میلادی) به ویرانه ای تبدیل شد و لکن با خیزش جدی و اساسی و برنامه ریزی دقیق و حساب شده امروزه این کشورهای پیشرفته تبدیل شده اند که موجب شگفتی شده اند.

انسان غربی بر اساس اعتقادات ما همان انسان از نسل آدم و حواست و لکن در همه چیز با انسان شرقی متفاوت است. مرام و مسلک و علم و دین و عقیده انسان غربی بهت آور است.

چند دهه است که انسان غربی و شرقی نگاه به هم انداخته و به روی هم چنگ و جنگ زده اند ولی هنوز همدیگر را خوب نشناخته اند. چنگ و انگ زدن و سوء ظن داشتن به همدیگر مشکل را حل نمی کند بلکه پیچیده تر هم میکند.

دانشمندان دو طرف هم از هر طرف دچار افراط و تفریط شده اند و یا متهم به غربگرایی و شرقگرایی شده اند و این همه بخاطر تولد موجود جدید در عالم خلقت است.



واقعا آموزهای دینی والهی در این زمینه راهگشاست و توجه به مسئله منجی و آخرالزمان و جنگ و یا گفتگوی تمدنها و اتحادیه اروپا ؛ ناتو؛ مجامع بین المللی ؛ حقوق بشر؛ ادیان الهی ؛ علوم تجربی ؛ صنعت و تکنولوژی ؛ محیط زیست و امثال اینها در این میان باید تحلیل و بررسی شود.

حوزه های مختلف علمی ؛ دینی؛ فرهنگی؛ اجتماعی ؛ سیاسی ؛ نظامی؛ امنیتی و... باید تعریف و برای طرفین شناخته شود.

بنظر من شرایط شناخت طرفین انسان شرقی و غربی با سرعت کندی در حال انجام است و هنوز خروجی جهانی نداشته ؛ امید است منجر به جنگ و خونریزی نگردد.

بله من به اتفاق شش نفر از دوستانمان وارد سرزمینی شدیم که هر کدام از ما بر اساس مطالعات و بینش علمی و شخصی برداشتهای خودمان را داشتیم. من در لابلای کلام دوستانم برداشتهای متفاوت ظاهری و باطنی و ساده و عمیق را حس می کردم منتهی همه خوشحال

بودند و ارسرزمین ناب وجدیدی شده اند که بادنیا وزندگی خود متفاوت است و تفاوتها از زمین تا آسمان است حتی اینجاروپا طبیعت وآب و هوایش روی دیگرسکه رابه مانشان می دهد. مابه آنها وآنها به ما نگاههای عمیقی داشتیم وسعی می کردیم دراین فرصت محدودغرب وانسان غریبی رازنزدیک بشناسیم.

واقعا این کارمشکلی بود هزاران مطلب وعقیده وموضوع درسرداشتیم ولی نمی دانستیم دراین فرصت محدود چه مطلبی رابه اینها ارائه کنیم ولی آنچه برای من مسلم شد دیدم چقدراینها مشتاق شنیدن حرفهای ماهستند. ولی آیا ماچقدرخودرادراین زمینه آماده کرده ایم؟

در شش جلسه جدی و رسمی که داشتیم متوجه شدم چقدراینها نسبت به ما و دین ما وعقاید ورفتار و کردارماو.....آشنائی کم دارند و وقتی ما بحث های ساده ومعمولی علمی ودینی ومذهبی وفلسفی می کردیم شگفت زده می شدند.

وقتی من از آنها از اقالیم ثلاثه و رابطه آن با توحید سوال کردم؟ گفتند فکر نمی کردیم شما اینقدر دانشمندان باشید؟

وقتی از رجعت و بازگشت و زنده بودن حضرت مسیح صحبت و سوال کردیم متحیر شدند؟

وقتی از مقامات حضرت مریم در قرآن گفتیم شگفت زده شدند.

وقتی اشاره ای به توحید خالقیت و ربوبیت کردیم به چشمان ما زل زدند؟؟

حال ما مانده بودیم از فلسفه هزار ساله مشا و هفتصد ساله اشراق و چهارصد ساله حکمت متعالیه برای آنها چه بگوئیم.

یا از فقه و اصول و تاریخ اسلام و کلام و عرفان اسلامی و تفسیر قرآن و حدیث چه بگوئیم؟

من بتحقیق برابرم ثابت شد جز به تعداد محدود و انگشتان دست تمام دانشمندان و علمای اسلامی که به غرب رفته اند انتشار اسلام را در حد و حدود تبلیغ ارائه

کرده اند و مراکز اسلامی و دینی و فرهنگی

ص: 46

و مساجدی هم که در غرب فعالیت دارند بیشتر تبلیغی و ترویجی بوده است و ما دانشمندان اسلامی و حوزوی هنوز بصورت علمی در غرب کرسی تدریس اسلام شناسی برگزار نکرده ایم و یک مطالبی بصورت سطحی از اسلام تبلیغ کرده ایم. که اگر به این مسئله توجه نشود اسلام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین ریشه در غرب پیدا نمی کند و بهترین جای نشر علمی اسلام دانشگاهها و کلیساها و دست آخر رسانه های آنهاست.

قطعا گوش ها و قلبهای زیادی از سرزمین غرب منتظر آشنا شدن عمیق با دین اسلام هستند چیزیکه با تبلیغ و رسانه ها بدست نمی آید بلکه نیاز به کلاس و آموزش و پرورش و پژوهش و کتاب و کتابخانه و استاد دارد.

اگر کسی سطحی و ظاهری به وضعیت غرب نگاه کند شاید باور نکند که مردم اروپا و غربی مومن و متدین هستند. هر چند رسانه ها و بعضی از رفتار و سبک زندگی آنها با معیارها و ارزشهای ما مطابقت ندارد ولی باید فریب رسانه های غربی را نخورد که از آدمهای غربی چهره ای بی دین ترسیم کرده اند. همان نکته دقیقی که مقام معظم رهبری در نامه شان به جوانان غرب اشاره کرده بودند که اسلام را از طریق مطالعه صحیح بدست آورند نه از طریق رسانه ها؛ زیرا دشمنان خدا و ادیان الهی قصد دارند مردم جهان را بی دین و ضد دین نشان بدهند و در این میان به اهداف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود که برده گی بشر است دسترسی پیدا کنند. عین همین رفتار را هم نظام سلطه خبری نسبت به انسان شرقی برای غرب داشته است و انسان شرقی را انسانهایی بدون تمدن و فرهنگ ترسیم کرده اند و بخصوص مسلمان را چهره تروریسم و خطرناک معرفی کرده اند.

وکشورهای اسلامی را ناامن و وحشتناک ترسیم کرده اند که در این زمینه تمام مردم متدین دنیا ی غرب و شرق باید هوشیار باشند .

برای ما که باکنجکاوی و بحث و نظر دقیقاً مشخص شد که عصاره برداشت ما این بود که غرب و اختصاصاً اروپا توجه جدی به دین دارند و خدا و ارتباط با آن از دغدغه های جدی آنها است.

باید توجه داشت صرف قضاوت بر اساس پوشش آنها قضاوتی عجولانه است و آمارهای جنسی در غرب نیز بسیار گمراه کننده است .

برای کسیکه می خواهد در غرب کار علمی و اسلامی انجام دهد تیزهوشی و دقت در این مسائل بسیار اهمیت دارد.

بلکه اگر کسی برود و از نزدیک زندگی اینها را بررسی کند ارزشها و خوبیهای فراوانی در عین ناهنجاریها مشاهده می کند که به چند نمونه از هنجارهای آنها اشاره می کنم:

ص: 49

1. توجه به آداب معاشرت

2. آشنائی با کتاب مقدس

3. ارتباطات بر اساس عقلانیت و عاطفه

4. ادب و احترام

5. نظم و تمیزی

6. آرامش خاص

7. قانونمندی

8. روحیه تشکر

9. مهمان نوازی

10. بروشورهای تبلیغاتی در همه جا و معرفی و راهنمایی

11. مدیریت آراسته

12. توجه به تاریخ و فرهنگ خود

13. خوش خنده؛ اهل طنز و شوخ طبعی

ص: 50

14. تعداد زیاد کشیش و کلیسای کاتولیک
15. احساس خطر برای نسل معاصر
16. حفظ سنتها
17. ترمیم بناهای تاریخی به مدرن وزیا
18. حفظ اعتقادات قدیمی و سنتی که نمونه های فراوانی دارد.
19. اکثر کشورها و شهرهای غربی بخصوص در اروپا فاحشه خانه رسمی ندارند.
20. قمار خانه ندارند لکن مثل بلیطهای بخت آزمائی دارند.
21. تحمل نژادهای مختلف و ترکیب جمعیتی و زندگی جمعی سالم و مسالمت آمیز صرف نظر از تعدادی آدمهای محدود نژادپرست.
22. مصرف مشروب بصورت محدود و کنترل شده.
23. روزشنبه و یکشنبه هم به طبیعت گردی وهم به دیدار اقوام می روند.



24. مردم متدین و سنتی هستند هرچند مثل بقیه دنیا در اثر ارتباطات فرهنگشان در حال دگرگونی است.

25. دارای مراکز تفریحی سالم مثل ورزشگاه ؛ موسیقی.

26. پارک و فضای سبز قابل توجه.

27. سیستم حمل و نقل بسیار مرتب و منظم.

28. عموم مردم بی آزار و آرام .

29. اهل نماز و دعا و توسل و شفاعت و مفاهیم خاص عبادی و دینی که بسیار مهم است.

30. اهل خانواده و خانواده دوستی.

درواقع بسیاری از این نکات آموزهای الهی و دینی است که بصورت مدرن بکار عینی و اجتماعی گرفته اند. مگه این همه پایبندی فقط بخاطر قانون است .  
نه؟؟ بلکه به خاطر اعتقادات الهی و دینی نیز می باشد.

ص: 52

اینها زمینه های مناسب و فرصت و ظرفیتهائی است که با شناخت آنها به ما کمک می کند در نشر علمی اسلام ناب محمدی (ص) در غرب موفق شویم.

پرواضح است که غرب شناسی و شناخت انسان غربی به این ساده گیها نیست و مطالعه و دقت فراوان می خواهد.

نگاه به چند آیه قرآن در این شناخت به ما کمک می کند:

1- يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ . [سوره الحجرات (49): آیه

[13

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است.

ص: 53

تفسیر: مقصود از این که همه ی انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند، آن است که نژاد همگان به «آدم و حواء» بازمی گردد؛ بنابراین ریشه ی همه واحد است و برتری قبایل و ملت ها و نژادها بر هم دیگر بی معناست.

خدا انسان ها را به صورت قبیله ها، ملت ها، نژادها و رنگ ها آفرید، تا مشخصات فردی و اجتماعی همگان یکسان و شبیه به هم نباشد و بتوانند با این تفاوت ها هم دیگر را شناسایی و نظم زندگی اجتماعی را حفظ کنند و از هرج و مرج جلوگیری نمایند و نیز با دست آوردهای ملت های دیگر آشنا شوند، و راه رشد و تکامل اجتماعی را بیابند.

ارزش ها در میان ملت ها و گروه های اجتماعی متفاوت است. برخی انتساب به یک نژاد و ملت و یا قبیله را مایه ی افتخار و ارزش می شمردند و برخی سرمایه های مادی را نشانه ی ارزشمندی و

ص: 54

شخصیت افراد می‌پندارند و برخی مقام‌های اجتماعی و سیاسی را معیار برتری می‌دانند.

اما قرآن کریم در مجموع چند ارزش اصیل را معرفی کرده که معیار برتری انسان‌ها بر هم دیگر است:

الف) تقوا و پارسایی؛

ب) علم و دانش؛

ج) جهاد و مبارزه؛

د) بصیرت و شناخت.

این آیه نظام ارزشی اسلام را ترسیم می‌کند و مرز ارزش‌های واقعی و اصیل را از ارزش‌های دروغین و ظاهری جدا می‌سازد و ارزش اصیل را تقوا معرفی می‌کند؛ یعنی می‌گوید: نزدیک‌ترین و باکرامت‌ترین شما پارساترین و خودنگه‌دارترین شماست؛ چراکه علم و جهاد و بصیرت هم آن‌گاه با ارزش است که همراه با تقوا باشد، و گرنه ممکن است انسان را به پرتگاه بکشاند.

ص: 55

تذکر این نکته لازم است که نفی نژادپرستی به آن معنا نیست که مردم به وطن و ملیت خود اعتنا نکنند و احترام نگذارند و از ارزش های اصیل ملی و میهنی دفاع نکنند، بلکه منظور آن است که نژاد و ملیت را یک ارزش اصلی و معیار برتری ندانند.

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که در ایام حج و در سرزمین منی به مردم فرمود:

ای مردم! بدانید، خدای شما یکی است و پدرتان یکی است؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب؛ نه سیاهپوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاهپوست برتری دارد مگر به تقوا.

سپس پرسید: «آیا من دستور الهی را ابلاغ کردم؟»

همگان گفتند: آری.

حضرت فرمود: «این سخن را حاضران به غائبان برسانند.» (الدّر المنثور، ج 6، ص 98؛ تفسیر قرطبی، ج 16، ص 342؛ تفسیر مراغی، ج 26، ص 143 و تفسیر المیزان، ج 18، ص 334)

ص: 56

اسلام می خواهد که همه ی انسان ها، با هر نژاد و ملیت و قبیله ای که باشند، زیر پرچم واحد توحید و تقوا گرد آیند و دیدگاه های تنگ و محدود را کنار گذارند و جاهلیت را رها کنند و به ارزش های اصیل انسانی هم چون تقوا روی آورند.

ارزش اصیل انسان تقواست، اما از آن جا که تقوا امری باطنی و قلبی است، ممکن است هر کس در مورد آن ادعای کاذب بکند؛ پس سنجش آن نزد خدا و به وسیله ی اوست که به همه چیز دانا و آگاه است.

آیا این ملاکها مربوط به کل بشر و انسان غربی نیز نمی باشد؟

2- اَفَحَسِبْتُمْ اَنْمَّا خَلَقْنٰكُمْ عَبَثًا وَاَنْكُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ\* فَتَعَلٰى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ. (مؤمنون- 115 و 116).

و آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم، و اینکه شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید؟! \* پس والاتر است خدایی که سلطان حق

ص: 57

است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پروردگار تخت ارجمند (جهانداری و تدبیر هستی) است!

تفسیر: . این آیات به دو مطلب اساسی اشاره دارد:

الف) جهان هدف دار است و بیهوده آفریده نشده است.

ب) جهان دیگری در پس این دنیا وجود دارد و همه به سوی خدا بازمی گردند و رستاخیزی در پیش است.

اگر جهان با این عظمت و مقدمات و برنامه هایی که دارد، صرفاً برای همین چند روز دنیا باشد، زندگی پوچ و بی معنا می شود.

پس آفرینش جهان هدفی بزرگ دارد که همان بازگشت به سوی خدا و رستاخیز است و هر کس نتیجه ی اعمال خود را در آن جا خواهد دید و کمال نهایی جهان تحقق خواهد یافت.

در این آیات به چهار صفت خدا اشاره شده که همه ی آنها با هدف داری جهان ارتباط دارند. این صفات عبارت اند از:

ص: 58

مالکیت و حاکمیت خدا، حقایق وجود خدا، شریک نداشتن خدا و مقام ربوبیت و پروردگاری او.

یعنی اگر خدا باطل باشد ممکن است آفرینش باطل و بیهوده ای داشته باشد، اما خدایی که خود حق است، جز حق از او صادر نمی شود.

و نیز اگر خدا ناتوان یا دارای شریک باشد، ممکن است کسی او را از هدفش باز دارد، اما اگر خدایی یکتا، مالک و حاکم بر جهان باشد، می تواند هدفی والا و جهانی دیگر در پس دنیا قرار دهد؛ چون کسی نمی تواند مانع در برابر او ایجاد کند.

و نیز خدایی که ربّ و تربیت کننده است و جهان تحت زمام داری اوست، حتماً هدفی در پرورش و اصلاح جهان دارد.

آیا این همان خدای غرب نیز نمی باشد؟

3- «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره مطففین 6)

ص: 59



یعنی روزی که مردم برای پروردگار جهانیان قیام می کنند

قرآن می فرماید رستاخیز عظیم مربوط به کل بشریت هست و همه در روز قیامت محسور می شوند.

4- وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (سوره انبیا)

ترجمه: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم

تفسیر: پیامبر رحمت برای جهانیان

از آنجا که آیات گذشته بشارت حکومت روی زمین را به بندگان صالح می داد و چنین حکومتی مایه رحمت برای همه مردم جهان است در نخستین آیه مورد بحث به رحمت عامه وجود پیامبر ص اشاره کرده می گوید: "ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم" (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ).

عموم مردم دنیا اعم از مؤمن و کافر همه مرهون رحمت تو هستند، چرا که نشر آئینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است،

ص: 60

حال اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند این مربوط به خودشان است و تاثیری بر عمومی بودن رحمت نمی گذارد.

این درست به آن می ماند که بیمارستان مجهزی برای درمان همه دردها با پزشکان ماهر و انواع داروها تاسیس کنند، و درهای آن را به روی همه مردم بدون تفاوت بکشایند، آیا این وسیله رحمت برای همه افراد آن اجتماع نیست؟ حال اگر بعضی از بیماران لجوج خودشان از قبول این فیض عام امتناع کنند تاثیری در عمومی بودن آن نخواهد داشت.

و به تعبیر دیگر رحمت بودن وجود پیامبر برای همه جهانیان جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و مسلماً فعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت قابل نیز دارد.

تعبیر به "عالمین" (جهانیان) آن چنان مفهوم وسیعی دارد که تمام انسانها را در تمام اعصار و قرون شامل می شود و لذا این آیه را

ص: 61

اشاره ای بر خاتمیت پیامبر اسلام می دانند، چرا که وجودش برای همه انسانها آینده تا پایان جهان رحمت است.

از آیات فوق و صدها آیات دیگر قرآن می توان استنتاج کرد که دین اسلام و قرآن و نبوت و معاد و توحید مربوط به کل بشریت است و کتاب الهی و مکتب مادر این زمینه رسالت جهانی دارد. و باید این معارف ناب الهی را به دست کل انسانها برسانیم.

نکته مهم دیگری که اینجا باید توجه داشت این است که در اثر ارتباطات جدید جهانی فرهنگ ملت اروپا در ابعاد مختلف نیز عوض شده است بعنوان مثال خیابان شانزالیزه در فرانسه که زمانی مظهر تاترو موسیقی ورقص و آواز و برنامه ها و سبک های گوناگون ادبیات بود امروزه آن مکان تبدیل به مراکز اقتصادی و تجاری و فروشگاه شده و آن هنرها بصورت دیگری ارائه میشود.

یعنی در این زمان مقوله اقتصاد بیشتر مورد هدف واقع شده تا فرهنگ ؛ و فرهنگ در قالب کالای اقتصادی ارائه میشود تا هنر و عشق و این

ص: 62

دگردیسی در تمام کره خاکی اتفاق افتاده است یعنی یک سبکی از لیبرال در تمام دنیا حاکم شده است. دیگر از آن شبه‌های رویانی شان.... خبری نیست و باید در سایت‌ها و مجلات و کتابها و دانشگاهها آن را جستجو کرد.

تمام اینها نشان از تحول جهانی می‌دهد و این بمعنای آن است که باید ما برای این شرایط خود را از جهات مختلف آماده کرده باشیم.

### **بخش چهارم: ارتباط حوزه علمیه و روحانیت با غرب**

حوزه علمیه امروز با یک تقاضای جدیدی در داخل و منطقه و اسلام و جهان غرب روبروست که نسبت به گذشته بی سابقه است.

یعنی یک ظرفیت عظیم در مقابل حوزه‌ها ایجاد شده است که جز اولاً با درک عمیق آن و ثانیاً برنامه ریزی دقیق و ثالثاً حرکت جهادی امکان پاسخگو بودن به آن را نداریم.

ص: 63

حوزه علمیه نیاز به : 1- شناخت و آگاهی 2- نیازسنجی 3- آسیب شناسی 4- طراحی 5- برنامه ریزی و قانون 6- هماهنگی 7- اجراء 8- نظارت و ارزیابی دارد.

من با تحقیق در اینجاء اعتراف می کنم حوزه های علمیه هنوز شناخت کافی و وافی از اطراف پیرامون خود ندارند بلکه با یک سری گزارهای نخ نما در گوشه و کنار به اهمیت این مطالب اشاره می کنند بدون اینکه یک مدیریت و برنامه ریزی جامعی را برای آن شاهد باشیم.

بیشتر بزرگان حوزه تا صحبت می کنند حالت موعظه ای و دستوری و ازبایدها سخن می گویند بدون اینکه شرایط آن فراهم شده باشد. بین سطوح مختلف حوزه گفتگو در مسائل اصلی حوزه علمیه کم است و تبادل طرفینی از پائین به بالا خیلی وجود ندارد. که من در چند یادداشت و مقاله به آنها پرداخته ام.

ص: 64

بعضی از متولیان حوزه علمیه تا تعریفشان از حوزه علمیه تربیت مبلغ برای مساجد کشور و وعظ و موعظه و یا امثال اینها باشند نمی توان توقع نشر اسلام ناب محمدی (ص) را در جهان غرب داشت.

تازمانیکه اردوگاه غرب را کامل مطالعه و شناسائی نکرده باشیم و تا با عده وعده برای آن برنامه ریزی نکرده باشیم چگونه انتظار تحول اسلامی در جهان غرب را داریم.

حوزه علمیه می بایست دستورات و منویات مقام معظم رهبری که بصورت خرد و کلان مطرح شده یعنی طرح تحول حوزه علمیه را در دستور جدی خود قرار دهد. خود را ترمیم کند و برای آینده دور و نزدیک برنامه ریزی کند.

حضرت امام راحل قدس سره فرمودند:

از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. ان شاء الله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام

ص: 65

انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم. (صحیفه امام ج 21 ص 47 پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه 598)

امیداست روزی این ناقوسها در کلیساها به صدا درآید و مستضعفین جهان گردهم آیند برای اقامه عدالت.

شاید این بهترین راه برای کنترل و مدیریت بحرانهایی باشد که توسط غرب آفریده می شود.

حرکتهای فردی و مقطعی و محدود که در حال انجام است همه در حوزه تبلیغ است و این تبلیغ بیشتر تاثیر روی هموطنان خود و مسلمانان آنجا دارد و نه تحول عظیمی که انتظار آن را می کشیم.

ص: 66

تعدادی از علما و روحانیت حوزه علمیه اصفهان الان در کشورهای غربی فعالیت می کنند که اکثر آنها در اثر تکلیف شخصی و فردی به آن سرزمین هجرت کرده اند بدون آنکه سیستم و نظامی حوزوی از آنها حمایت و پشتیبانی بکند.

آیا واقعا آیه شریفه **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد آیه 11) مربوط به ما می باشد و یا مربوط به همه زمانها و مکانها و ادوار تاریخ است.

بیشترین نشر اسلام و ادیان رادر گذشته سیروسایاحتها و مسافرتها و مهاجرین و تجارانجام داده اند و در اثر معاشرت اسلام رانشرداده اند لکن در این زمان نشر علمی اسلام با برنامه ریزی و جهاد همه جانبه انجام می پذیرد.

اگر گروههای لائیک و بی دین و مسلمان و روحانیت نماهای منحرف سرزمین غرب رافتح کنند کار ما دو صد چندان مشکل می شود.



عزیزان مومن و عالم و نازنینی که با ما همسفر بودند همه تشنه گی و اشتیاق آنها را برای شنیدن حقایق اسلام لمس کردند.

نه کسی از گفتار و کلام اسلامی مادر غرب رنجید و نه ما را از خود بیرون راندند بلکه همه اش استقبال بود.

پروفسور اوده کشیش مسیحی استاد دانشگاه مسیحی آلمان در کلاس عمومی اسلام شناسی و قرآن شناسی یکساعت و چهل و پنج دقیقه در جمع حدود 200 نفره سخنرانی کرد نه از مستمعین کسی خسته شد و نه جلسه را ترک کردند بلکه حدود چهل و پنج دقیقه دیگر که دو نفر از همسفران ما مطالبی را جهت اصلاح سخنان پروفسور با ظرافت خاصی مطرح کردند همه مشتاقانه شنیدند. و آرزوی کردند چنین مباحث تخصصی توسط دانشمندان اسلامی مطرح گردد.

درست یادم هست که در پایان سخنرانی کف مفصلی برای سخنرانان ما زدند.

ص: 68

حتی یکی از دوستان گفت در ایران در جلسات مذهبی اگر سخنران مذهبی خیلی سخنرانیش را طول دهد مرسوم است می گویند خادم مسجد کلید را به روحانی می دهد و می گوید هر وقت سخنرانیت تمام شد درب مسجد را ببند و برو و مادر ایران منبر 45 دقیقه می رویم که جمعیت از خنده منفجر شد.

این مردم غرب چقدر از لطایف منبر و شور و شعور منابر نورانی ما دورند که به یک داستان معمولی اینقدر واکنش مثبت نشان می دهند . من آنجا یقین کردم دل‌های مردم با تعلیمات الهی است و به مدد تجربیات قبل برایمانم به این راه افزوده شد.

اینجاست که حوزه های علمیه باید با برنامه ریزی علمی و جهادی به این نیاز جواب دهند.

## بخش پنجم: ظرفیت های حوزه علمیه اصفهان

بخصوص حوزه علمیه اصفهان که از چند جهت حائز اهمیت است:

1. اصفهان شهری است که در جهان همه آن را می شناسند. بعضی نام ایران را کمتر از نام اصفهان شنیده بودند.
2. اصفهان با تعداد زیادی از شهرهای دنیاخواهرخوانده است و این برای مسافری امتیاز دارد.
3. اصفهان حدود سه قرن پایگاه علم و دین در جهان تشیع و اسلام بوده است.
4. مکتب بزرگ علمی و توحیدی ملاصدرا در شهر اصفهان شکل گرفته است.
5. ادیان توحیدی و مردم آن در اصفهان زندگی مسالمت آمیز دارند و در کنار هم بخوبی زندگی می کنند. که سندی بزرگی بر فرهنگ و دین این جغرافیا از جهان است.

ص: 70

6. مردم اصفهان با مسافر و توریست آشنائی دیرینه دارند و مسافر و مهمان دوست هستند.

7. آثار علمی و باستانی اصفهان حرف برای گفتن بسیار دارد و آثار باستانی مذهبی فراوانی در اصفهان وجود دارد.

8. مردم اصفهان هنرمندند و صنایع دستی بدیعی برای عرضه به جهان دارند و از این طریق می توان دین و فرهنگ را به دنیای غرب معرفی کرد.

9. وجود حوزه های علمیه و مساجد کهن در شهر اصفهان نشانه دینداری و علم آموزی شهر اصفهان است.

10. وجود قبرستان تخت فولاد در اصفهان و قبور دانشمندان و عالمان و هنرمندان و اولیای الهی برگ زرین و سند و افتخاری در جهان اسلام و تشیع و مردم اصفهان و ایران است.

ص: 71

با این همه ظرفیتهای و امکانات جادار که حوزه علمیه اصفهان با حرکت و مدیریت جهادی ارتباط سیستمی دقیق و منظمی را با جهان و بخصوص دنیای غرب برقرار کند.

این حرکت هفت نفر از علما و دانشمندان حوزه علمیه اصفهان سند و افتخار بزرگی است که باید در تاریخ حوزه علمیه اصفهان ثبت شود و در غالب برنامه و مدیریت مستمر توسط حوزه علمیه اصفهان استمرار پیدا کند.

تعداد اساتید صاحب نظر و طلاب زبانان امکان کم نظیری است که مدیریت حوزه علمیه اصفهان باید از آن استفاده کند.

### **بخش ششم: نتایج نهائی سفر**

نتایج نهائی این سفر اینست که :

ص: 72

1- ضرورت سازماندهی حوزه علمیه جهت برقراری با مراکز علمی و دینی جهان.

2- شناخت زبان و فرهنگ و تمدن غرب و انسان غربی و مراکز دینی و عالمان ادیان الهی.

3- تهیه سند همکاری در زمینه‌های فراوان در موضوعات مختلف دینی و علمی.

4- اعزام حوزه علمیه که باید در سه سطح انجام گیرد:

الف- اعزام مسئولین و اساتید برای آشنائی با دنیای غرب.

ب- اعزام مبلغ برای تبلیغ با آشنائی اجمالی با زبان در حد سخنرانی.

ج- اعزام عالم بانشر علوم اسلام ناب محمدی (ص) با تسلط کامل زبان.

ص: 73

5- رشد و توسعه و رونق صنعت توریسم مذهبی در جغرافیا و فرهنگ طرفین.

6- آماده سازی محتوای فرهنگ دینی اسلام ناب محمدی (ص) با ادبیات و فرهنگ جهانی.

و در یک کلام باید جهان و انسان غرب را دریافت و تادیر نشده است اسلام ناب محمدی (ص) را در آن کویر تشنه شرعی و اعتقادی و عملی داد.

ص: 74













# Koranrezitation im Ordinariat

Eine Delegation von sechs schiitischen Geistlichen aus Isfahan trifft Erzbischof Burger / Beide Seiten wollen den Dialog fortsetzen

Von Annemarie Rösch

FREIBURG. Eine Delegation von sechs schiitischen Geistlichen aus Freiburgs iranischer Partnerstadt Isfahan hat erstmals diese Woche die Erzdiözese besucht. Beide Seiten bekundeten den Willen, auch künftig miteinander im Dialog zu bleiben.

Solche Klänge dürften in diesen Räumen noch nie zu hören gewesen sein: „Bismillah Rahman, Rahim“ (Im Namen Gottes, des Barmherzigen, des Allerbarmer) rezitiert der Mann im schwarzen Turban aus dem Koran. Über ihm an der Decke prangen die bischöflichen Wappen der Erzdiözese Freiburg: Schlangen, Löwen, Kreuze und Schiffe, teils mit Gold verziert. „Das ist ein Vers über Jesus“, erklärt Seyed Hussein Momeni. Sein schwarzer Turban weist ihn als Nachfahren des Propheten Mohammed aus. „Wenn jemand etwas Gutes tut auf der Welt, wird es gesehen. Wenn jemand etwas Schlechtes tut und sei es nur ein Nadelstich, dann gilt das auch“, fasst er den Inhalt des Verses zusammen. „Meine Rezitation soll ein Geschenk an Sie sein.“ Erzbischof Stephan Burger lächelt ihm zu und bedankt sich. „Ich bin überwältigt“, sagt er.



Stephan Burger empfängt die Geistlichen im Erzbischöflichen Ordinariat, rechts Mehdi Georgi.

FOTO: RÖSCH





































## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباچه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

